

رفیق گرامی ملکه خوشه ویست

ضمن سلام از محبت و نامه ات خیلی سپاسگزارم.

بدون تردید می دانی که به کاری بسیار ارزنده و در همان حال بسیار دشوار دست زده ای. قطعاً باید کسی در این دنیا پیدا شود و از زحمات تو در زنده کردن و زنده نگهداشتن یاد عزیزانی که یادشان گردد و غبار گذشت زمان و اغراض سیاسی پوشانده است.

از دکتر جعفر نمی توان خاطره بد داشت. او انقدر شیرین و دوست داشتنی بود حتی عصبانیتش دل کسی را بدر نمی آورد. من در یاد داشتی که در دفتر روزانه در سالگرد درگذشت او می نوشتم او را بعنوان معصوم ترین عضو ر هبری کومه له از هر نوع غل و غشی بدور بود یاد کردم و متأسفانه ان یادداشت همراه نوشته های دیگر گم شده است.

منظورم این است که وظیفه بسیار دشواری در پیش داری. من سایت را نگاه کردم برای شروع خوب است ولی برای دکتر جعفر بسیار کم است. باید به یک نحوی فراز و نشیب های زندگی سیاسی و شخصی وی را نشان داد. باید یک جایی گفت که چه سختی ها کشید و چه خود خوری ها داشت. باید یکی جرات کند و بگوید چه روزها و ماههای سختی برایش بود در ان سال یا سالیایی در خارج اقامت داشت و چه کسانی از ارش دادند.

من می دانم و تو هم از همه ما بیشتر می دانی و تجربه کردی که خشک مسلکی تشکیلاتی چه سایه ای بر زندگی شخصی و خصوصی افراد می انداخت و باید گفت که دکتر جعفر چگونه برخوردی داشت و بعبارت دیگر درون خانه یعنی در چهاردیواری چادر و مقر بعنوان همسر و پدر چگونه بود. بدون اینگونه درافزوده ها که فقط از عهده تو بر می آید شاید همه جوانب شخصیت جذاب دکتر جعفر بازگو نخواهد شد.

مثل این است که بخواهی از پشت پرده تناثر حرف بزنی. بعنوان مثال همین مقاله "نقد کورته باس" را در نظر بگیرد من شاهد بودم و شما در جزئیات می دانید که چه زحمتی برایش کشید تقریباً چند بار انرا بدون گلایه از اول نوشت. من کمتر کسی را در عمرم دیدم که چنین پشتکاری داشته باشد. حالا خیلی ها الان یکمقداری کلاشان رفته بالا و ممکن به سطح نگارش یا عمق بحث خرده بگیرند. ولی صحبت بر سر خلوص نیت انسانی است که با تمام وجود برای آنچه ضروری می دانست بدون هیچ تاخیری و با تمام توانش برایش کار کرد.

البته بی خیر نباش در اوج سر شلوغی از خیارهای بستان "مشکپه" غافل نمی ماند و زیرکانه عصرها بهنگام و به بهانه قدم زدن زیر خاک مخفی میکرد تا فردا صبح زود سراغشان برود.

درعین حال نمی دانم چقدر گشودن این خاطره ها برای تو دردناک خواهد بود و ایا رواست که بعد از این همه سال خود رابا این باز خوانی چند باره خاطره ها ازار دهی.

در هر حال دستت درد نکند و برایت صمیمانه آرزوی موفقیت و تندرستی را دارم.

هه ر بژیت

جواد